

وزیر صنعت، معدن و تجارت:

ایران و پاکستان در مسیر تجارت ۱۰ میلیارد دلاری هستند

است و با توجه به ظرفیت‌های مشترک و همکاری‌های مرزی، انتظار داریم برگزاری دهمین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان بتواند زمینه تسهیل مبادلات مرزی، افزایش تجارت کالا و تحقق اهداف پیش‌بینی شده در نقشه راه را فراهم کند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین از دیدار با مقام‌های ارشد پاکستان خبر داد و گفت: در جریان این سفر با نخست‌وزیر پاکستان و حدود پنج وزیر این کشور دیدار خواهیم داشت و درباره موضوعات مشترک در حوزه‌های تجارت، صنعت و بازرگانی گفت‌وگو و روند اجرای توافقات پیشین را پیگیری خواهیم کرد. اتابک با اشاره به برگزاری دهمین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان اظهار داشت: در این نشست، توافق‌ها و برنامه‌هایی که در نشست‌های گذشته به تصویب رسیده، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا میزان پیشرفت آنها ارزیابی و موانع احتمالی برطرف شود.

وی با تأکید بر روند رو به رشد همکاری‌های تجاری دو کشور افزود: در سال‌های گذشته، هر بار که این نشست‌ها برگزار شده، پیشرفت‌هایی در توسعه تجارت کالایی حاصل شده است. هم‌اکنون توافق تجارت ترجیحی میان ایران و پاکستان اجرایی شده و امیدواریم با افزایش تعداد اقلام مشمول این توافق، زمینه برای حرکت به سمت تجارت آزاد میان دو کشور فراهم شود.

وزیر صنعت، معدن و تجارت در پایان خاطرنشان کرد: یکی از سیاست‌های محوری دولت چهاردهم، تبدیل تفاهم‌نامه‌ها و توافقات به اقدامات عملی و اجرایی است و خوشبختانه این رویکرد با جدیت در حال پیگیری است و پیشرفت‌های خوبی نیز در این زمینه حاصل شده است.



وزیر صنعت، معدن و تجارت کشورمان با اشاره به اهداف سفر خود به پاکستان گفت: دهمین کمیسیون مشترک اقتصادی، گامی در مسیر تجارت ۱۰ میلیارد دلاری ایران و پاکستان است.

به گزارش مهر، محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت کشورمان، در بدو ورود به اسلام‌آباد و در گفتگو با رسانه ملی، با اشاره به اهداف سفر خود به پاکستان گفت: بر اساس نقشه راهی که به دستور رؤسای جمهور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان برای ارتقای سطح همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور تدوین شده است، هدف‌گذاری شده تا حجم مبادلات تجاری دو کشور از حدود سه میلیارد دلار کنونی به ۱۰ میلیارد دلار افزایش یابد.

وی افزود: خوشبختانه روند همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور رو به رشد

رسانه‌های دولتی چین گزارش دادند:

رونمایی چین از اولین استانداردهای ایمنی اجباری برای خودروهای خودران



بر اساس گزارش خبرگزاری آنا‌تولی، چین در سال ۲۰۲۵ مجوز دسترسی مشروط را برای دو مدل خودرو با قابلیت رانندگی خودکار سطح سه صادر کرد که گامی اولیه به سوی عرضه تجاری گسترده‌تر محسوب می‌شود.

تولیدکنندگان برای این خودروها، باید سیستم‌هایی را مجهز کنند که بتوانند نظارت کنند که آیا رانندگان آمادگی و توانایی آن را دارند که در صورت لزوم، کنترل خودرو را به دست بگیرند یا خیر. همچنین، باید کاربران را از طریق دفترچه‌های راهنما، وب‌سایت‌ها و نمایشگرهای داخل خودرو، به‌طور شفاف در مورد سطح اتوماسیون خودرو، محدوده‌های عملیاتی، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های مربوط به خودرو آگاه کنند.

زخم کهنه بدقولی بر تن رسانه:

آقای مسئول! روز خبرنگار وعده ندهید

ایستادند، در تمام صحنه‌ها حاضر شدند و چشمداشتی هم نداشتند، اما حالا از «بدقولی» مسئولان به تنگ آمده‌اند. برخی از آنان با همین وعده‌های رنگارنگ بازنشسته شدند و دستشان به هیچ جان رسید.

تسهیلاتی که ماه‌ها انتظار برایش میکشی و آخر سر یا تصویب نمی‌شود، یا خبرنگار برای تسلاي خاطر، خودش را به ندیدن و نشنیدن می‌زند تا شاید زخم این بی‌اعتنایی التیام یابد.

وعده مسکن سال‌ها از تریبون مسئولان سر داده می‌شود اما این وعده هم سر طاقچه خاک می‌خورد.

این گلایه‌ها خطاب به آن مسئولی است که قرار است امسال پشت تریبون بایستد و از «مقام خبرنگار» بگوید و پشت آن دوباره وعده بدهد. اما جامعه رسانه این شهر پیشاپیش به شما می‌گوید: آقای مسئول! اگر نمی‌خواهید یا نمی‌توانید گرهی از کار این قشر بکشایید، لاقال حرمت قلم را نگه دارید و بلد بودی «وعده ندان» را تمرین کنید.

قلم به دستان این مرز و بوم، آنقدر صبور و متعهدند که سختی معیشت را تاب بیاورند، اما زخم زبان و وعده‌های پوشالی را نه. شاید امسال بهترین هدیه روز خبرنگار، یک «سکوت صادقانه» از سوی شما باشد.



دوباره به روز خبرنگار رسیدیم، همان روزی که مسئولان از خبرنگاران قهرمان می‌سازند و وعده‌های تو خالی می‌دهند، می‌رود تا سال بعد و وعده‌هایی که یک سال دیگر خاک می‌خورد.

به گزارش فارس، هفدهم مرداد و آیین‌های تجلیل از سربازان خط مقدم آگاهی رسید، اما امسال بوی دود آتش زیر خاکستر در این شهرستان بلندتر از هر زمان دیگری است. بوی گله نه از کمبود، که از زیاده‌گویی؛ نه از سختی کار، که از آسانی وعده‌های بی‌عمل مسئولان، وعده‌های که روی دور تکرار است و سال‌ها خاک می‌خورد.

خبرنگاران پشت تریبون‌ها قهرمانانه توصیف می‌شوند اما در میدان عمل، برای ابتدایی‌ترین حقوق خود معطل می‌مانند. خبرنگارانی که پای انقلاب و نظام

سر مقاله

هنر حکمرانی در بحران



دکتر حسین عباسی / اقتصاددان

شرایطی که ایران در آن قرار گرفته است، یک ویژگی بارز دارد: نااطمینانی در مورد آینده. در این شرایط بهترین استراتژی آن است که مثل معروف می‌گوید: امیدوار باش به بهترین اتفاق و هم‌زمان آماده باش برای بدترین. این همان است که این روزها در قالب پارادایم رشد یا بقا مطرح می‌شود، با این تفاوت که باید برای هر دو آماده باشیم.

مهم‌ترین ویژگی شرایط بحرانی احتمال کمبود کالا است. کلمه احتمال به‌عنوان انتخاب شده است؛ چرا که نااطمینانی از آینده، علاوه بر آنکه در تولید و واردات کالا اختلال ایجاد می‌کند، تولیدکننده و مصرف‌کننده را به این سو می‌کشاند که خود را برای کمبودهای بیشتر آماده کنند. در این حالت عرضه و تقاضا به تبعیت از انتظارات آینده عوض می‌شود. مردم ممکن است برخی از خریدهای خود را به تعویق بیندازند، برخی خریدها را افزایش دهند و اگر انتظار داشته باشند که در آموشان هم متأثر خواهند شد، ممکن است علاوه بر رفتار مصرفی، رفتارشان در بازار کار و بازارهای دیگر هم متأثر شود.

تولیدکننده هم به تغییرات در بازار مواد اولیه و محصول و بازار کار واکنش نشان خواهد داد که یک رقم آن احتمالاً افزایش قیمت برای بقادر شرایط کمبود احتمالی مواد اولیه است. بخش دیگر هم کالاها و خدمات تولیدشده توسط دولت است که اقلام مهم آن از قبیل گاز، برق، آب و مینرین سال‌ها است با محدودیت روبه‌رو بوده است و از گفته‌های مسئولان برمی‌آید که این محدودیت‌ها بر اثر جنگ اخیر بیشتر شده است. اما سیاست‌های دوران بحران باید دو جنبه را هم‌زمان در نظر داشته باشد: باید بقای جامعه به‌خصوص کم‌درآمدترین گروه‌ها را تضمین کند و هم‌زمان قدرت تولید اقتصاد در بلندمدت را تحلیل نبرد.

یکبار دیگر اصول اولیه اقتصاد را مرور کنیم. یک اقتصاد سالم بر مبنای فعالیت اقتصادی افراد و مصرف متناسب با تولید بنا می‌شود. دولت از فعالیت‌ها مالیات می‌گیرد یا کالاها و خدماتی را به مردم می‌فروشد تا بتواند کالاهای عمومی از قبیل دفاع از کشور ارائه کند و بر کالاهای دارای اثرات مثبت جانبی مانند آموزش و بهداشت پایه‌ریزی بدهد. در هر جامعه‌ای هم گروه‌هایی هستند که در تامین بخشی از نیازهای خود ناتوانند. این گروه‌ها هم تحت پوشش حمایت دولت قرار می‌گیرند.

می‌دانیم که اقتصاد ایران با این تصویر فاصله دارد؛ ولی برای اینکه جهت حرکت را گم نکنیم، باید این اصول را همواره پیش چشم داشته باشیم. حرکت اقتصاد باید در نهایت رسیدن به این ساختار باشد و حتی اگر به دالایی از قبیل وجود شرایط جنگی انحرافی از آن می‌شود، باید حداقلی باشد و موقتی. این مانند سنجیدن شرایط یک بیمار با حالت سلامت است. اگر قرار است بیمار بستری شود و برخی فعالیت‌های او متوقف شود، برای بازگرداندن او به زندگی معمول است نه نگه داشتن او در تخت بیماری به مدت نامحدود. با این دیدگاه می‌توان به چند اصل اشاره کرد:

نخست تامین مالی دولت است. دولت نیازمند سیستم مالیاتی فراگیر و قابل اتکا است که از فعالیت‌های اقتصادی مالیات بگیرد. این تنها راهی است که دولت می‌تواند از تامین بودجه غیر تورمی اطمینان حاصل کند. موارد استثنای این سیستم همیشه وجود دارد و در شرایط بحرانی می‌تواند تغییر کند؛ ولی بخشودگی‌های مالیاتی گسترده، به‌خصوص برای گروه‌هایی که شائبه اثرگذاری در تصمیمات دولت را دارند، از قبیل نهادهای سازمان‌های دولتی و شبه دولتی، نه تنها درآمدهای عمومی را کاهش می‌دهد، بلکه حس تبعیض را در مردم برمی‌انگیزد و آنها را به رفتار مالیاتی تشویق می‌کند. در شرایط جنگ و بحران، میزان مالیات به واسطه کاهش فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابد؛ ولی نباید اصل تامین بودجه مالیاتی فراموش شود. به‌علاوه، لزوم گسترده کردن پایه مالیاتی و پوشش دادن گروه‌هایی که به‌احتمال مختلف از مالیات دادن فرار کرده‌اند، در شرایط بحرانی بیش از پیش به چشم می‌خورد. هم‌زمان با توجه به مالیات و از برخی جهات مهم‌تر از آن، کاهش هزینه‌های دولت است. می‌دانیم که دولت‌ها، به‌خصوص وقتی که سیستم پاسخگویی عمومی ضعیف باشد، تمایل به خاصه خرجه‌های سخاوتمندانه دارند و با اتکا به بودجه عمومی مدام بزرگ‌تر و پرخرج‌تر و ناکارآمدتر می‌شوند. افرادی که از این فساد سود می‌برند، در مقابل اصلاح این فرایند به شدت مقاومت می‌کنند. شرایط بحرانی هم لزوم اصلاح سیستم دولتی را افزایش می‌دهد و هم امکان توافقی برای اصلاحات را زیاد می‌کند. این اصلاحات برای ایران که همه دولت‌هایش همیشه با اتهام رانتی بودن مواجه بوده است، افزایش اعتماد عمومی را هم به همراه می‌آورد که سرمایه‌ای ضروری برای مقابله با بحران است.

دوم: مشابه این اصل در فروش کالاها و خدمات دولتی هم وجود دارد. دولت کالاها و خدماتی را که تولید می‌کند، باید به نوعی قیمت‌گذاری کند که بتواند از استمرار عرضه آن اطمینان حاصل کند. یارانه دادن در خدمات عمومی، از قبیل آموزش و بهداشت و نیز کالاهایی که بدون آنها زندگی افراد فلج می‌شود، مانند برق و گاز و آب، امری پذیرفته شده است؛ ولی این پذیرش با مجموعه‌ای از زیرهیزها همراه است. مهم‌ترین اصل این است که اولاً فقط کالاها و خدماتی را در بر بگیرد که یارانه دادن در آنها با وجود کمبود منابع پشتوانه قوی اقتصادی داشته باشد و البته بنزین در این حوزه قرار نمی‌گیرد و تانیا زمان، مقدار و پوشش آن در میان گروه‌های جامعه محدود باشد. تخطی از این اصل به تامین تورمی هزینه آنها می‌انجامد یا به کمبود کالا و به احتمال زیاد به هر دو.

در نهایت، پوشش حمایتی گروه‌هایی از جامعه که از تامین معاش ناتوانند، بخشی غیر قابل اجتناب از اقتصاد دنیای امروز است. در این مورد هم اصل محدود بودن زمان، میزان و گروه‌های تحت پوشش اصلی اساسی است. هدف این برنامه‌ها کاهش هم‌زمان دو نوع خطای مشهور در ادبیات اقتصادی است که به خطای نوع اول و دوم مشهورند و عبارتند از: پوشش ندادن گروه‌هایی که واقعاً نیازمندند و پوشش دادن گروه‌هایی که خود می‌توانند درآمد کسب کنند. هر چند مرز بین نیازمند بودن و توانا بودن مرزی دقیق نیست، ولی توجه به مفهوم این دو نوع خطا در طراحی سیستم حمایتی ضروری است. تنها راهی که می‌توان به این هدف نزدیک شد، گردآوری اطلاعات و به‌روز کردن مداوم آن است.

نکته آخر این شرایط سیاست‌های دوران بحران را طلب می‌کند. از جمله مهم‌ترین سیاست‌ها، انتشار اخبار درست برای کاهش نااطمینانی است. اصرار بر ندیدن مشکلات یا کوچک جلوه دادن آنها در صورتی که مردم آن را در زندگی روزمره مشاهده کنند، به‌جز کاهش اعتماد به نظام تصمیم‌گیری اقتصادی اثری ندارد و سبب می‌شود که خبرهای درست هم با تردید و ناباوری روبه‌رو شود. این نگرش همچنین سبب می‌شود که دولت برای پوشش کمبودها و اثبات عادی بودن شرایط دست به اتخاذ تصمیم‌های پزند که فقط آتش بحران را تشدید می‌کند. سابقه اقتصاد ایران بر است از این گونه تصمیمات، امیدواریم از آن پرهیز شود.